

نبض اقتصاد
را در دست بگیرید

چارسوت



سابق بدون نقاب

چارسوق پشت پرده سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها در دولت چهاردهم را بررسی می‌کند

سابق اصفهانی صرفاً یک فرد نیست. او نماینده‌ای از یک جریان با تفکرات گران کن در اقتصاد است که بارها و بارها زخم کاری بر پیکره اقتصاد ایران و معیشت مردم وارد کرده‌اند و هیچ‌گاه نیز پاسخگو نبوده‌اند.

اکنون نیز از گوشه و کنار شنیده می‌شود که افرادی همچون علی مروی، محمد صادق الحسینی، چند نماینده مجلس و برخی دیگر از دانشگاهیان، در زمره حلقه مشاوران او برای گران کردن انرژی هستند.

یادداشت

اقتصاد جنگ:

تاب‌آوری اجتماعی در مسیر بازسازی اقتصادی



دکتر داوود منظور
رئیس سابق سازمان برنامه و بودجه

در اقتصاد جنگ، مسئله فقط حفظ متغیرهای کلان، کنترل بازار ارز، تأمین انرژی یا بازسازی صنایع آسیب دیده نیست. مهم‌تر از همه این است که هزینه‌های جنگ و پساجنگ را چگونه میان گروه‌های مختلف جامعه توزیع کنیم. اگر فشارهای اقتصادی به صورت نامتوازن بردوش خانوارهای کم درآمد، کارگران، بازنشستگان، طبقات متوسط آسیب‌پذیر و کسب‌وکارهای کوچک قرار گیرد، تاب‌آوری اجتماعی کشور تضعیف می‌شود. از این منظر، حمایت از اقشار آسیب‌پذیر و نگاه‌های کوچک صرفاً یک سیاست رفاهی نیست؛ بخشی از امنیت اقتصادی و اجتماعی ماست.

در شرایط جنگی و پساجنگی، جامعه با چند نوع فشار هم‌زمان روبه‌رو می‌شود. بخشی از مردم مستقیماً از جنگ آسیب می‌بینند؛ ممکن است خانه، محل کار، دارایی یا منبع درآمد خود را از دست داده باشند. بخشی دیگر از مسیر تورم، افزایش قیمت کالاهای اساسی، اختلال در بازار کار، کاهش درآمد واقعی و نااطمینانی اقتصادی تحت فشار قرار می‌گیرند. گروهی از نگاه‌ها نیز بیدون آنکه تخریب فیزیکی دیده باشند، به دلیل اختلال در زنجیره تأمین، کمبود مواد اولیه، کاهش تقاضا، دشواری حمل‌ونقل، محدودیت انرژی یا مشکل سرمایه در گردش دچار بحران می‌شوند. بنابراین در حمایت‌های پساجنگ باید میان این گروه‌ها تفکیک قائل شویم.

نخستین اصل در سیاست حمایتی، هدفمندی است. در اقتصادی که با کسری بودجه، تورم، فشار ارزی و محدودیت منابع مواجه است، حمایت فراگیر و بی‌قاعده می‌تواند خود به عامل بی ثباتی تبدیل شود. اگر بدون شناسایی دقیق گروه‌های آسیب‌دیده، منابع گسترده‌ای را توزیع کنیم، ممکن است بخش مهمی از حمایت‌ها به کسانی برسد که نیاز کمتری دارند، در حالی که خانوارها و بنگاه‌های واقعاً آسیب‌دیده همچنان در تنگنا بمانند. از سوی دیگر، تأمین مالی چنین حمایت‌هایی اگر از مسیر خلق پول یا افزایش بدهی‌های بی‌پشتوانه انجام شود، در نهایت به تورم بالاتر منجر می‌شود؛ تورمی که بیشترین فشار آن دوباره بر اقشار ضعیف وارد خواهد شد.

بنابراین حمایت اجتماعی در اقتصاد جنگ باید دقیق، زمان‌دار و قابل ارزیابی باشد. حمایت دقیق یعنی گروه‌های هدف را بر اساس داده و واقعیت شناسایی کنیم، نه بر اساس فشارهای رسانه‌ای یا روابط اداری. حمایت زمان‌دار یعنی روشن باشد این سیاست برای عبور از بحران طراحی شده، نه برای ایجاد تعهدات دائمی و غیرقابل تأمین. حمایت قابل ارزیابی نیز یعنی بتوانیم نشان دهیم منابع به چه کسانی رسیده، چه اثری بر حفظ اشتغال، تولید یا معیشت داشته و چه زمانی باید اصلاح یا متوقف شود.

ادامه در صفحه آخر

یادداشت

خدمات شهید رئیسی در جهت رفاه مردم و رفع فقر



سید صولت مرتضوی، وزیر کار دولت سیزدهم، در نشست سالگرد شهادت شهید سید ابراهیم رئیسی گفت: شهید رئیسی ایران قوی را در سایه عدالت اجتماعی تعریف کرده بود. در سفرهای استانی به شدت دغدغه مردم و دهک‌های کم درآمد را داشتند و به تمام دولت‌مردان دستور رفع مشکل مردم می‌دادند. اولین دستوری که شهید به من دادند موضوع کالایرگالکترونیک بود. به من گفتند که این اعتقاد من و قانون است و شما به هر شکل باید انجامش دهید. این بزرگترین سامانه اجتماعی برای سرپا نگه داشتن سفره مردم بود و بیش از ۶۰ میلیون نفر را پوشش داد.

وی افزود: همسان سازی حقوق بازنشستگان از دیگر اقدامات شهید رئیسی برای از بین بردن شکاف میان مستمری بگیران بود.

وزیر کار دولت سیزدهم گفت: در سال ۹۲، دولت وقت می‌خواست بسته‌های معیشتی را در اختیار مردم قرار بدهد. دیدید که با چه بحران و مشکلی مواجه شد، اما در کمترین فرصت این طرح اجرایی و عملیاتی شد. وی افزود: یکی دیگر از کارهای خوبی که آیت‌الله شهید رئیسی انجام دادند، بحث همسان سازی حقوق بازنشستگان بود. مستحضر هستید که یک شکاف دریاقتی بین بازنشستگان کشوری، لشکری و تأمین اجتماعی با سایر حقوق بگیران وجود داشت.

وزیر کار دولت شهید رئیسی تصریح کرد: برای اولین بار آیت‌الله شهید رئیسی دستور دادند که حتماً نظام همسان سازی حقوق و دریاقتی‌های بازنشستگان اجرایی شود. ما با قوت و قدرت تمام موانع را برداشتم و اجرایی کردیم.

مرتضوی در ادامه گفت: در بحث تأمین اجتماعی، توجه به دهک‌های پایین درآمدی تقریباً در دولت آیت‌الله رئیسی تصویب شد که سازمان تأمین اجتماعی و سایر صندوق‌ها، دهک‌های یک تا چهار را به صورت رایگان تحت پوشش بیمه تأمین اجتماعی قرار دهند و دولت منابعش را تأمین کرد.

وی ادامه داد: آیت‌الله رئیسی با توجه به نگاه کلانی که داشت، از کنار مباحثی که بعضی وقت‌ها امکان دارد کوچک به نظر برسند، به هیچ وجه عبور نمی‌کرد. یادم هست در یکی از سفرهای استانی، ایشان برای یکی از بیماران پروانه‌ای بی‌قرار بود؛ دستور دادند در کمترین فرصت جلسه تشکیل شد و مشکلات بیماران پروانه‌ای را حل کردند.

وزیر کار دولت سیزدهم تصریح کرد: مشکلات بیماران اوتیسم را در یک جلسه - دستور دادند که تمام کودکان و اطفالی که در صف کاشت حلزون هستند را در لیست حمایت قرار دهند و درمان کنند. پیرامون کارها و فعالیت‌های آیت‌الله رئیسی، واقعاً هرچه سخن گفته شود، در حوزه‌های مختلف کم گفتیم.

مرتضوی با بیان اینکه شعار آیت‌الله رئیسی ایجاد سالی یک میلیون فرصت شغلی بود، گفت: نه به روایت ما، به روایت صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی، آیت‌الله رئیسی توانست نرخ بیکاری را به کانال ۷ درصد بیاورد. تقریباً در این مدت، سالانه بیش از یک میلیون فرصت شغلی با حد و رسم، با عدد و رقم و با آدرس ایجاد شد.

وی افزود: شما دیدید که دغدغه جامعه کارگری به حمدالله و المنة برطرف شد. اگر حقوق کارگران و کارمندان مثلاً در سال اول ۵۷ درصد و در سنوات بعد متناسب با نرخ تورم افزایش پیدا می‌کرد، ولی حتماً مستمری آحاد تحت پوشش امداد و بهزیستی را بیشتر از شاید دو برابر نرخ تورم افزایش می‌دادند.

وزیر کار دولت سیزدهم تصریح کرد: یادم هست بنا بود افزایش حقوق

آحاد تحت پوشش کمیته امداد را سازمان هدفمندی یارانه‌ها ۵۰ درصد افزایش داده شود؛ ۲۵ درصدش را اعمال کرده بودند، ۲۵ درصد دوم مانده بود. آقای بختیاری یک روز به من زنگ زد که متأسفانه سازمان برنامه و سازمان هدفمندی یارانه‌ها افزایش را واریز نکرده است. آیت‌الله رئیسی در همان روز دو بار بنده را فراخوان کرد؛ یک بار تماس گرفتند که چی شد؛ و دوبار من خدمشان تماس گرفتم. تا آخر وقت تا زمانی که پول وارد حساب مددجویان نشد، ایشان از پای ننشستند.

مرتضوی در خاتمه گفت: در عین حال که به پروژه‌های کوچک خُرد و اشتغال‌زا توجه می‌کرد، به پروژه‌های بزرگ مثل هیکو، قند، صنایع کاغذ و سایر پروژه‌هایی که در کشور متأسفانه تعطیل شده بودند، توجه شد و بیش از ۱۰ هزار کارگاه تعطیل شده به چرخه تولید بازگشت.

شهید حاجی زاده، دوره مدیریت شهید رئیسی را نقطه عطف پیشرفت‌های فضایی کشور می‌دانست

معاون پیگیری‌های ویژه دفتر شهید رئیسی گفت: سردار شهید حاجی زاده تأکید داشتند که دوره مدیریت شهید رئیسی در دولت، نقطه عطف پیشرفت‌های فضایی کشور و یک دوره طلایی بود.

مهدی مجاهد، با بیان اینکه در دوران حیات شهید رئیسی ظلم‌هایی علیه دولت و سازمان‌های مربوط صورت می‌گرفت، گفت: گذر زمان و مرور زمان ابعاد این ظلم‌ها را دارد بیشتر باز می‌کند و معلوم می‌شود که اگر این مانع‌تراشی‌ها در مسیر مجاهدت‌های بی نظیر نبود، چقدر می‌توانست در همین دوران کوتاه شکوفایی بیشتری اتفاق بیفتد و مسائل کشور بیش از پیش حل شود.

معاون پیگیری‌های ویژه دفتر شهید رئیسی ادامه داد: گمان من این

بود که اگر دولت شهید رئیسی ادامه پیدا می‌کرد، بسیاری از مشکلات کشور و مسائل ماحل می‌شد. امروز گذر زمان دارد حقانیت مسیری را که شهید رئیسی برای حل مسائل چندوجهی کشور انتخاب کرده بود، بیش از پیش نشان می‌دهد.

مجاهد با اشاره به موفقیت‌های دولت سیزدهم در حوزه سیاست خارجی تصریح کرد: شهید رئیسی با انتخاب سیاست چندجانبه‌گرایی و دیپلماسی همسایگی و احیای ظرفیت‌های ژئوپلیتیک و گریزدوری ایران در کریدورهای شمال-جنوب و شرق-غرب، توانسته بود مسیر ایران قوی را به درستی انتخاب کند.

وی با اشاره به جایگاه امروز ایران در هندسه جدید قدرت در منطقه گفت: عضویت ایران در سازمان شانگهای و پیمان بین‌المللی بریکس و افزایش قدرت بین‌المللی جمهوری اسلامی ایران در این سال‌ها، امروز در خروج کشور از برخی بن‌بست‌های القابلی و ساختگی دشمن و محاصره‌هایی که دشمن تلاش می‌کند علیه ما انجام دهد، خودش را نشان می‌دهد و ثابت می‌کند این مسیر چقدر درست بوده است.

معاون پیگیری‌های ویژه دفتر شهید رئیسی با اشاره به حمایت دولت سیزدهم از حوزه‌های دفاعی کشور خاطر نشان کرد: شهید حاجی زاده می‌گفتند دوره مدیریت شهید رئیسی در دولت، نقطه عطف پیشرفت‌های فضایی کشور بود؛ دوره طلایی. اگر این دوره از تاریخ را حذف کنیم و جنگ‌های تحمیلی که رخ داد، سرنوشت جنگ امروز متفاوتی بود.

مجاهد در پایان تأکید کرد: به لطف الهی و با تلاش‌های مجاهدان کشور چه در حوزه نیروهای مسلح و چه در دولت به طور خاص، دوگانه دیپلماسی و میدان تبدیل شده بود به دو بال برای پیشرفت کشور. میدان و دیپلماسی در کنار همدیگر باعث اوج گرفتن نظام اسلامی و نزدیک‌تر شدن ما به قله‌های پیشرفت شدند.



هشدار افزایش تورم دراروپا به دلیل جنگ علیه ایران

کارشناس ارشد اقتصادی اتحادیه اروپا درباره افزایش تورم ناشی از جنگ علیه ایران هشدار داد.

فیلیپ لین، اقتصاددان ارشد بانک مرکزی اروپا اعلام کرد که شوک نفتی جهانی ناشی از جنگ با ایران به احتمال زیاد این بانک را مجبور خواهد کرد تاریخ بهره را افزایش دهد. هدف این اقدام جلوگیری از سرایت هزینه‌های بالاتر سوخت به دستمزدها، انتظارات تورمی و قیمت سایر کالاهاست.

لین به‌وضوح از افزایش نرخ بهره در ماه ژوئن (خرداد ۱۴۰۵) حمایت کرد. برخی از سیاست‌گذاران بانک مرکزی اروپا این افزایش را اولین گام از چندین مرحله می‌دانند، حتی اگر این تصمیم به رشد اقتصادی منطقه یورو که واردکننده انرژی است، آسیب بزند.

این کارشناس اقتصادی اتحادیه اروپا گفت: «بهترین واکنش به یک اختلال عرضه از سوی منابع خارجی، احتمالاً باید کوچک‌تر از واکنش به یک شوک ناشی از تقاضا باشد، اما مدل‌های متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد بانک مرکزی ممکن است ناچار به واکنشی فعالانه شود.

ازجمله این دلایل، او اشاره کرد که درگیری با ایران بلافاصله پس از دوره تورم شدیدی رخ داده که خود ناشی از پایان همه‌گیری کرونا و حمله روسیه به اوکراین بوده است. به گفته لین، این موضوع شرکت‌ها و مصرف‌کنندگان را نسبت به قیمت‌ها حساس‌تر از همیشه کرده است.

لین بار دیگر بر موضوع بانک مرکزی اروپا تأکید کرد که «اگر تورم به‌طور موقت و نه چندان زیاد از هدف فراتر رود، تعدیلی سنجیده می‌تواند منطقی باشد» اما در مقابل، او تورم به شکل پایدار و چشمگیری افزایش یابد، «واکنش باید به اندازه کافی قوی یا پایدار باشد.

او همچنین گفت که «کاهش تقاضا» ناشی از قیمت‌های بالای نفت، نیاز به افزایش شدید نرخ بهره را کاهش می‌دهد، در حالی که هرگونه بسته حمایتی از سوی دولت‌ها دقیقاً اثر معکوس دارد (یعنی فشار تورمی را بیشتر می‌کند). لین تصریح کرد که شوک نفتی ایران کل جهان را تحت تأثیر قرار داده است، برخلاف جنگ اوکراین در سال ۲۰۲۲ که بیشتر اروپا را هدف گرفت. به همین دلیل، ضربه به رشد اقتصادی در سطح جهانی شدیدتر خواهد بود. اثر غیرمستقیم بر تورم نیز احتمالاً بزرگ‌تر است. شبیه‌سازی مدل بانک مرکزی اروپا نشان می‌دهد که اگر هزینه جهانی انرژی ۱۰ درصد افزایش یابد، تورم طی سه سال ۱٫۵ واحد درصد بالا می‌رود؛ در حالی که این رقم برای یک شوک منطقه‌ای فقط حدود ۰٫۴ واحد درصد است. این کارشناس ارشد اقتصادی افزود: شوک جهانی یعنی هزینه‌ها در سراسر جهان در حال افزایش است، بنابراین کاتال و واردات هم نمی‌تواند فشار را کاهش دهد. این موضوع یک اثر جمعی ایجاد می‌کند: قیمت نهایی هر کالایی، حاصل جمع افزایش قیمت‌هایی است که در تمام زنجیره تأمین کنندگان بین‌المللی رخ داده است. در طرف دیگر ما چرا، لین یادآور شد که تقاضا در منطقه یورو حتی پیش از شروع جنگ نیز رونق نداشت و اکنون احتمالاً ضعیف‌تر هم خواهد شد. این موضوع توانایی شرکت‌ها برای ابرای گران کردن کالاهایشان محدود می‌کند، به‌ویژه در مقایسه با رونق مصرف پس از همه‌گیری. لین در پایان گفت: حتی اگر دامنه انتشار این شوک نسبت به سال ۲۰۲۲ محدودتر به نظر برسد، شدت و سرعت آن نسبت به میانگین تاریخی بیشتر خواهد بود.

افزایش ۳۳ دلاری هزینه ماهانه بنزین برای رانندگان آمریکایی

میانگین افزایش ماهانه هزینه بنزین در کل آمریکا ۳۳٫۸۶ دلار است و ایالت آلاباما با ۵۲ دلار رکورد دار است. رانندگان در ایالت کانزاس به دلیل جنگ علیه ایران، ماهانه حدود ۳۱ دلار بیشتر از قبل برای بنزین هزینه می‌کنند.

مؤسسه خصوصی «سیاست‌گذاری مالیاتی و اقتصادی» (ITPE) اعلام کرد که ایالت آلاباما بیشترین ضربه را از گرانی بنزین خورده است؛ به طوری که هر راننده در آنجا نسبت به ماه فوریه، ماهانه ۵۲ دلار بیشتر هزینه می‌کند. براساس گزارش این مؤسسه، میانگین افزایش ماهانه هزینه هرپاک بنزین در کل آمریکا ۳۳٫۸۶ دلار است. کمترین تأثیر افزایش قیمت بنزین نیز در واشنگتن دی. سی.، نیویورک، هاوایی، رود آیلند و پنسیلوانیا دیده می‌شود. طبق داده‌های شرکت مسافرتی AAA، ۱۳ مه (۲۳ اردیبهشت) متوسط قیمت هر گالن (۳٫۷۸ لیتر) بنزین در کانزاس به ۴٫۰۷۷ دلار رسیده که هنوز از میانگین ملی (۴٫۵۱۱ دلار) پایین‌تر است. در شهر وچیتا نیز قیمت بنزین اندکی کمتر از میانگین ایالت است و به ۳٫۹۹۷ دلار می‌رسد. تحلیل‌های ITEP نشان می‌دهد که تأثیر افزایش قیمت بنزین در ایالت‌های جنوبی شدیدتر بوده و به دلایل مختلف در سراسر کشور یکسان احساس نمی‌شود. در این تحلیل آمده است: «بخشی از دلیل این است که ساکنان برخی ایالت‌ها بنزین بیشتری مصرف می‌کنند؛ چون جمعیت آن‌ها پرآکنده‌تر است، مسیرهای رفت‌وآمد روزانه طولانی‌تری دارند، حمل‌ونقل عمومی ضعیف‌تر است و حتی نوع خودروهایی که مردم سواری می‌شوند متفاوت است.

ده ایالتی که بیشترین افزایش ماهیانه هزینه بنزین را داشته‌اند:

- آلاباما: ۵۲٫۰۱ دلار
- می‌سی‌سی‌پی: ۵۰٫۷۶ دلار
- وايومینگ: ۴۸٫۷۸ دلار
- کنتاکی: ۴۶٫۶۹ دلار
- نیومکزیکو: ۴۴٫۲۵ دلار
- تگزاس: ۴۴٫۰۴ دلار
- تنسی: ۴۲٫۴۴ دلار
- آریزونا: ۴۱٫۶۹ دلار
- لوئیزیانا: ۴۰٫۸ دلار
- انديانا: ۳۹٫۶۲ دلار

گفتنی است برای محاسبه این ارقام، از داده‌های ماهانه قیمت بنزین (AAA) و آمار مصرف سوخت هر ایالت (اداره بزرگراه‌های فدرال) استفاده شده است. براساس داده‌های ماهانه قیمت بنزین، قیمت بنزین در کانزاس نسبت به یک سال قبل، ۱٫۲۴۵ دلار به ازای هر گالن گران‌تر شده و نسبت به ماه قبل نیز ۰٫۵۸۷ دلار افزایش یافته است. در واسط اوریل (واخو فروردین) که تنگ هرمز (مسیر کلیدی حمل‌نقل جهان) به‌طور موقت باز شد، قیمت‌ها کمی کاهش یافت اما با انسداد تنگه هرمز، قیمت‌ها افزایش یافت.

نصف اقتصاد رادردست بگیرید



Charsoogh newspaper

یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ ■ سال دوم ■ شماره ۴۴۲



سقاب، بدون نقاب

چارسوق پشت پرده سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها در دولت چهاردهم را بررسی می‌کند

گزارش

در روزهای اخیر برخی نمایندگان مجلس از نزمزه افزایش قیمت بنزین به ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان در محافل کارشناسی دولت بوده و به شدت به این موضوع اعتراض کرده‌اند.

حمیدرسایی که پیش از این در مهرماه سال گذشته اولین نفری بود که از برنامه دولت چهاردهم برای گران کردن بنزین خبر داد و در آن مقطع این موضوع به شدت از سوی دولتی‌ها تکذیب شد اما بعداً در آذرماه گفته‌های رسایی محقق شد، در روزهای اخیر هم گفته که در دولت بحت کاهش سهمیه‌ها و افزایش قیمت بنزین مجدداً طرح شده است. رسایی اظهار داشته است: «متأسفانه جریان شناخته‌شده در دولت چهاردهم که راه‌حل را فقط در آزاد کردن و گران کردن می‌داند و پیش از این هم با حذف ارز ترجیحی ۲۸۵۰۰ تومانی و گران کردن ارز، سبب تحمیل بالاترین تورم پس از انقلاب به مردم شده، مجدداً قصد دارد با کاهش سهمیه بنزین ۱۵۰۰ و ۳۰۰ تومانی از یک طرف و افزایش قیمت بنزین ۵۰۰۰ تومانی به ۱۵ هزار تومان از طرف دیگر، اقدام کند. «رسایی وعده داده که نمایندگان انقلابی مجلس تلاش خواهند کرد جلوی این تصمیمات عجیب و غریب در میانه جنگ گرفته شود.

مالک شریعتی، از اعضای کمیسیون انرژی مجلس هم از طرح شدن ایده افزایش قیمت بنزین به ۱۵ هزار تومان خبر داده و از رئیس دولت چهاردهم خواسته طراح این ایده را برکنار کند و آنها را نادران یا خائن نامیده است. این عضو کمیسیون انرژی مجلس گفته است: «چنان‌آقای دکتر پزشکیان! ضمن تشکر از اعلام راهبرد دقیق مدیریت مصرف انرژی، لطفاً؛ طراحان نادان/خائن گران‌سازی از جمله بنزین ۱۵ هزارتومانی (نرخ سوم) را برکنار کنید!»

حسین صمصامی، عضو برجسته کمیسیون اقتصادی مجلس هم که پیش از این بارها نسبت به تبعات تورمی حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی هشدار داده بود و هم اکنون هم پیش‌بینی‌های وی محقق شده، در روزهای اخیر به بحث گرانی بنزین واکنش نشان داده و گفته است: «ظاهر دولت قصد دارد سیاست گران‌سازی برق و بنزین را انجام دهد. طرح بنزین سهمیهٔ سوم با نرخ ۱۵ تا ۲۰ هزار تومان و خرید فروش گاهی صرفه‌جویی انرژی، نه تنها کارایی لازم رانداشته بلکه به تشدید موج تورمی و نارضایتی مردم خواهد انجامید. اجرای چنین سیاست‌هایی در شرایط موجود یعنی: خیانت، خیانت و خیانت به نظام، سرفره و معیشت مردم.»

پشت‌صحنه گرانی‌ها؛ با رنکشت به چندماه قبل

اسماعیل سقاب اصفهانی از ۲۱ تا ۲۴ توسط مسعود پزشکیان به عنوان رئیس سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی منصوب شد. مسئولیت اصلی وی در این سازمان، مدیریت بهینه مصرف و رفع پایدار ناترازی انرژی و همچنین عادلانه‌سازی یارانه‌ها عنوان شده است. درواقع پس از آن که پزشکیان بارها از ناترازی انرژی در کشور سخن گفت و مشکلات تأمین بنزین، گازوئیل، برق و گاز تأکید کرد، سقاب اصفهانی به این سمت منصوب شد تا بگیرد این ناترازی‌ها باشد.

اما چرا سقاب اصفهانی به این سمت منصوب شد؟ برخی معتقدند چون پزشکیان در زمان انتخابات ریاست جمهوری صراحتاً وعده داده

سقاب، بدون نقاب

چارسوق پشت پرده سیاست‌های آزادسازی قیمت‌ها در دولت چهاردهم را بررسی می‌کند

گزارش

هاشیم کسبوکارها در بحران/ صادق الحسینی

تحلیل وضع ایران و اقتصاد پس از جنگ؛ چاره‌ای جز آزادسازی قیمت انرژی نداریم



بود بنزین را گران نکنند اما بعداً در دولت چهاردهم به این جمع بندی رسیده شد که بنزین را گران کنند، با یک اقدام سیاسی تصمیم برآن شد با انتصاب فردی که در دولت شهیدرئیس هم مسئولیت (هرچند حاشیه‌ای) داشته، تصمیم گرانی بنزین راه به دوش چنین فردی بیاندازند تا همه انتقادات متوجه دولت چهاردهم نشود و دولت سیزدهم هم شریک کار نگردد شود.

شایان ذکر است که سقاب اصفهانی اساساً نه تخصص و نه سابقه‌ای در حوزه انرژی دارد که او را بتوان گزینه مطلوب راهبری ساماندهی انرژی در کشور دانست؛ بنابراین، گمانه‌ها با اتقوتی می‌شود که قیمت‌های وی با چه هدفی صورت گرفته است. تحولات بعدی هم برصحت این گمانه، مهر تأیید گذاشت. حدود یک ماه بعد از انتصاب سقاب اصفهانی، کلید سیاست گران‌سازی در دولت چهاردهم در حوزه انرژی زده شد و قیمت بنزین در جایگاه‌های سوخت به ۵ هزار تومان افزایش یافت. چند هفته بعد هم حذف ارز ترجیحی کالاهای اساسی و گران کردن ارز زخ داد که با واکنش‌های شدیدی مواجه شد.

در موضوع بنزین، در طرح دولت قریب بود در ابتدای هر فصل قیمت بنزین افزایش پیدا کند اما وقوع جنگ تحمیلی سبب توقف این سیاست خسارت‌بار شد. اخیراً اما مجدداً نزمزه‌های گران کردن بنزین و سایر فرآورده‌های نفتی بلند شده است. هرچند در خبری که هفته قبل از جلسه معاون اول دولت چهاردهم منتشر شد تأکید شده بود که از اول خردادماه طرح کنترل مصرف بنزین بدون گرانی اجرا خواهد شد، اما با توجه به تجربه پاییزسال گذشته و تکذیب‌های صریح دولتمردان و اقدامات بعدی آنها می‌توان علت نگرانی نمایندگان مجلس را رد کرد.

علت‌اصرار برگرانی بنزین چیست؟

کارسازی طرح‌های کنترل مصرف سوخت را سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی به ریاست سقاب اصفهانی بر عهده دارد و اکنون که نمایندگان مجلس گفته‌اند بحث افزایش قیمت نرخ سوم اصفهانی محسوب می‌شوند و همین

مسئله، نگرانی‌ها نسبت به تصمیمات سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی را موجب شده است. همچنین فردی مثل محمدصادق الحسینی که جزو نزدیکان سقاب اصفهانی است و در دولت پزشکیان کارویژه خود را توجیه‌گران کردن و آزادسازی قیمت‌ها از ارز تا بنزین قرار داده، طی روزهای اخیر از ضرورت گران کردن حامل‌های انرژی سخن گفته است. الحسینی مدعی شد: جمهوری اسلامی الان چاره‌ای جز آزادسازی قیمت ندارد، پیش‌تر هم گفتیم برای اصلاح اساسی در ایران یک بحران بزرگ نیاز است، ۴۷ سال دستور بر اقتصاد حاکم بوده و اکنون تنها راه آزادسازی است. اگر اصلاحات انرژی در ایران و همین امسال صورت نگیرد، ماقطاً و برای نخستین بار تورم سه‌رقمی خواهیم داشت. علت این مورد نیز کسری تجاری ایران در سال جاری خواهد بود که حدود ۲۳ میلیارد دلار خواهد بود.

الحسینی گفت: تا بیچاره نشویم هیچ کاری نمی‌کنیم چراکه انتقال مسلط حاکم هیچ وقت مزیت‌های خود را رها نمی‌کند مگر اینکه بیچاره شود، قطع به یقین در حوزه انرژی بیچاره‌ایم و تنها راه آزادسازی نرخ انرژی است، کسری تجاری ۲۳ میلیارد دلاری یعنی نرخ ارز ۴ برابری نسبت به امروز و تورم ۱۶۰ درصدی.

ادبیات استفاده‌شده توسط امثال صادق الحسینی، تکراری است و هر بار که حامیان اقتصاد آزاد به دنبال جانداختن گران کردن انرژی به مسئولان هستند، اوضاع اقتصادی کشور راه گونه‌ای جلوه می‌دهند که گویا کشور به لبه پرتگاه رسیده و فقط و فقط راه نجات ایران، گران کردن است و اگر افزایش قیمت انرژی یا از صورت نگیرد، نظام از هم می‌پاشد. محمدصادق الحسینی همان فردی است که قبل از جنگ تحمیلی، مدعی شده بود آمریکا به ایران حمله گسترده نمی‌کند و اگر هم حمله کند به مردم عادی کاری ندارد و فقط افراد رده‌د بالای حکومتی و نظامی را ترور می‌کند و جای نگرانی وجود ندارد!!!!

متأسفانه این جریان در ارکان تصمیم‌گیری دولت چهاردهم نفوذ بالایی دارد. این در حالی است که برخلاف سیاه‌نمایی‌های این جریان، راهکارهای مناسب و کم‌خطر برای کنترل مصرف بنزین در کشور وجود دارد اما کمتر به آنها توجه می‌شود مثل توسعه استفاده از سی. ان. بی. یال. بی.جی در خودروها یا تولید و واردات خودروهای کم‌مصرف. ضمن اینکه تبعات و خسارات ناشی از گران‌سازی سوخت بر اقتصاد و جامعه ایران قطعاً بیش از هزینه‌ای است که با روند مصرف فعلی باید صرف واردات برای جبران کسری‌ها شود.

مروری بر مواضع سقاب اصفهانی

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین مقاطع موضع‌گیری سقاب، حضور او در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری صداوسیما مورخ ۲۲ آبان ۱۴۰۴ بود. طی این برنامه سقاب اصفهانی مدعی شد که تیمی متشکل از نخبگان در اطراف او وجود دارند که در حال برنامه‌ریزی برای حل معضل انرژی هستند. البته سه از هفته‌ها و ماه‌ها مشخص شد که برنامه‌های آنها نیز همان نگران‌کن «در سال‌های پیش است، لذا مشخص نشد که منظور ایشان از نخبه چیست.

او به صراحت در آن برنامه عنوان کرد که حاضر است تا لحاف تشک خود را در صداوسیما بپاندازد تا مردم را در مورد فواید سیاست‌های مدنظر خود - یعنی همان گران‌کردن!!- توضیح دهد. البته پس از بروز ناآرامی‌هایی که در نتیجهٔ سیاست‌های گران‌کن در دولت رخ داد، خبری از اخلاف تشک ایشان نشد.

طی برنامه مذکور، سقاب اصفهانی با نقد مسیر گذشتهٔ کشور، بیان کرد که در کشور، «ما مسئله‌را حل نمی‌کنیم، بلکه با آن رومی رویم، و مثالی از مخفی کردن زباله‌ها در زیر فرش- و نه تمیز کردن فرش- را مطرح کرد. با اینحال گذشت زمان نشان داد که سیاست‌های مدنظری، نه تنها فرشی را تمیز نمی‌کند، بلکه فرش را خراب و بیخ و بن نابود می‌گرداند.

ای‌کاش وی حداقل مثل برخی پیشینیان عمل می‌کرد!

جالب توجه آنکه در همان برنامه، در پاسخ به سوال مکرر مجری در مورد چگونگی تشویق مردم و انگیزه گرفتن مردم از صرفه‌جویی، سقاب پاسخ‌روشنی نداشت و برپه‌ریز پاسخ راه به علت «کنج‌گاه‌نگه داشتن مخاطبان» بیان کرد. متأسفانه ماه‌ها بعد مشخص شد که اوضاع از کنج‌گای عبور کرد و به مرحله بقاء برای امنیت ملی رسید.

همچنین یکی دیگر از مواضع عجیب سقاب در آن برنامه آن بود که عنوان کرد اکنون مردم دارای «یک باغ» هستند و باسیاست‌هایشان می‌خواهند که مردم صاحب «دو باغ» شوند. متأسفانه با اقدامات و برنامه‌هایی این جریان، همان‌ها یک باغ مردم نرآنزش گرفت و آسیب دید. لذا منفعتی را نصیب مردم نکردند.

همچنین سقاب به صراحت اعلام کرد که «فرصت انرژی، فرصت جهش تاریخی ایران هست». در این خصوص نیز مردم از جهشی که همفکران وی در قیمت‌ها و گرانی‌ها ایجاد کردند، کمال تشکر را دارند و امیدوارند که بیش از این کشور را دچار جهش کنند.

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین مقاطع موضع‌گیری سقاب، حضور او در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری صداوسیما مورخ ۲۲ آبان ۱۴۰۴ بود. طی این برنامه

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین مقاطع موضع‌گیری سقاب، حضور او در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری صداوسیما مورخ ۲۲ آبان ۲۰۲۴ بود. طی این برنامه سقاب اصفهانی مدعی شد که تیمی متشکل از نخبگان در اطراف او وجود دارند که در حال برنامه‌ریزی برای حل معضل انرژی هستند. البته پس از هفته‌ها و ماه‌ها مشخص شد که برنامه‌های آنها نیز همان نگران‌کن «در سال‌های پیش است، لذا مشخص نشد که منظور ایشان از نخبه چیست.

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین مقاطع موضع‌گیری سقاب، حضور او در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری صداوسیما مورخ ۲۲ آبان ۲۰۲۴ بود. طی این برنامه سقاب اصفهانی مدعی شد که تیمی متشکل از نخبگان در اطراف او وجود دارند که در حال برنامه‌ریزی برای حل معضل انرژی هستند. البته سه از هفته‌ها و ماه‌ها مشخص شد که برنامه‌های آنها نیز همان نگران‌کن «در سال‌های پیش است، لذا مشخص نشد که منظور ایشان از نخبه چیست.

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین مقاطع موضع‌گیری سقاب، حضور او در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری صداوسیما مورخ ۲۲ آبان ۲۰۲۴ بود. طی این برنامه سقاب اصفهانی مدعی شد که تیمی متشکل از نخبگان در اطراف او وجود دارند که در حال برنامه‌ریزی برای حل معضل انرژی هستند. البته سه از هفته‌ها و ماه‌ها مشخص شد که برنامه‌های آنها نیز همان نگران‌کن «در سال‌های پیش است، لذا مشخص نشد که منظور ایشان از نخبه چیست.

شاید بتوان گفت یکی از مهم‌ترین مقاطع موضع‌گیری سقاب، حضور او در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری صداوسیما مورخ ۲۲ آبان ۲۰۲۴ بود. طی این برنامه سقاب اصفهانی مدعی شد که تیمی متشکل از نخبگان در اطراف او وجود دارند که در حال برنامه‌ریزی برای حل معضل انرژی هستند. البته سه از هفته‌ها و ماه‌ها مشخص شد که برنامه‌های آنها نیز همان نگران‌کن «در سال‌های پیش است، لذا مشخص نشد که منظور ایشان از نخبه چیست.



شکفت‌انگیز گفت: جالب است بدانید که چین به ۱۵۰ کشور جهان یوان وام داده است. یعنی یوان در حساب‌های ۵۰ کشور دیگر به عنوان بدهی یا دارایی ثبت شده است. اما یک مشکل وجود دارد: دولت چین اجازه نمی‌دهد یوان آزادانه از کشور خارج شود و هنوز ۱۰۰ درصد اعتماد جهانی به آن وجود ندارد. این کاهش ارزش دلار در بازار داخلی خود آمریکا نیز

شکفت‌انگیز گفت: جالب است بدانید که چین به

۱۵۰ کشور جهان یوان وام داده است. یعنی یوان در حساب‌های ۵۰ کشور دیگر به عنوان بدهی یا دارایی ثبت شده است. اما یک مشکل وجود دارد: دولت چین اجازه نمی‌دهد یوان آزادانه از کشور خارج شود و هنوز ۱۰۰ درصد اعتماد جهانی به آن وجود ندارد. این کاهش ارزش دلار در بازار داخلی خود آمریکا نیز

شکفت‌انگیز گفت: جالب است بدانید که چین به

۱۵۰ کشور جهان یوان وام داده است. یعنی یوان در حساب‌های ۵۰ کشور دیگر به عنوان بدهی یا دارایی ثبت شده است. اما یک مشکل وجود دارد: دولت چین اجازه نمی‌دهد یوان آزادانه از کشور خارج شود و هنوز ۱۰۰ درصد اعتماد جهانی به آن وجود ندارد. این کاهش ارزش دلار در بازار داخلی خود آمریکا نیز

شکفت‌انگیز گفت: جالب است بدانید که چین به

انحصار دلار در حال پایان است و جهان در حال

حرکت به سمت یک نظم چندقطبی پولی است.

جمشید عدالتیان نایب‌رئیس اتاق بازرگانی ایران

بیان داشت: واقعیت این است که اگر به جایگاه دلار نگاه کنیم، متوجه می‌شویم که ۲۰ سال پیش، یعنی در سال ۲۰۰۰، حدود ۷۱ درصد از بازرانی‌های مرکزی جهان به دلار اختصاص داشت. امروز، پس از ۲۶ سال، این رقم به ۵۸ درصد کاهش یافته است.

این استاد دانشگاه ادامه داد: دلار هنوز از اول دنیاست، اما دیگر آن جایگاه سابق و انحصاری را ندارد. این تغییر دو عامل اصلی دارد. عامل اول خود آمریکاست که دلار را به عنوان یک ابزار سیاسی استفاده می‌کند. وقتی کشوری مانند روسیه یا ایران از سیستم سوئیفت کنار گذاشته می‌شود، سایر کشورها نیز یابدار می‌شوند و فکر می‌کنند: اگر فردا نوبت ما باشد، چه می‌شود؟ بنابراین شروع به تنوع دادن به ذخایر ارزی خود می‌کنند. وی عامل دوم را رشد چشمگیر اقتصاد چین دانست و افزود: اگر شاخص برابری قدرت خرید را در نظر بگیریم، چین از سال ۲۰۱۶ بزرگ‌ترین اقتصاد جهان است. اقتصاد

چین با این شاخص حدود ۳۵ تریلیون دلار و آمریکا ۲۸ تریلیون دلار است. چین دیگر فقط کارخانه جهان نیست، بلکه یک بازار مصرفی بزرگ نیز شده است. پکن آرام آرام جایگاه خود را از می‌کند. حتی روسیه، عربستان

و برزیل قراردادهایی بسته‌اند که معاملات با ارز ملی و یوان انجام شود. برای مثال، عربستان حدود ۲۵ درصد از نفت خود را با یوان معامله می‌کند.

عدالتیان با اشاره به پروژه «یوان دیجیتال» و شبکه

جدید پرداختی که کشورهای مانند ایران نیز در آن عضو هستند، تصریح کرد: این سازوکارهای جدیدی هستند که نشان می‌دهند جهان به‌زودی نمی‌تواند بگوید

دلار حذف می‌شود، زیرا هنوز حدود ۸۰ درصد معاملات فارکس با دلار است. اما دنیا به سمت چندقطبی شدن پولی می‌رود. برای کشوری مانند ایران که تحت تحریم

سوئیفت است، این قطعاً فرصتی است تا گزینه‌های بیشتری داشته باشد و بتواند از یوان و حتی یوان دیجیتال

بیشتر استفاده کند.

وی پیش‌بینی کرد که چین در ۲۰ سال آینده می‌تواند یوان را به یک ارز جهانی تبدیل کند و با ذکر آماری



اخبار



نمای هوایی از یک بخش از پروژهٔ آب‌رسانی در استان فارس، ایران.

پیمانۀ نفت آمریکا برای کنترل قیمت نفت تاکی دوام می‌آورد؟

۹ با برداشت ۵۲ میلیون بشکه از ذخایر آمریکا برای کنترل قیمت نفت تردیدهایی در مورد تداوم این سیاست مطرح شده‌است.

کشتی‌های نفتکش از سراسر جهان، در تعدادی بی‌سابقه وارد آمریکای می‌شوند و پس از بارگیری نفت در آلاسکا و سواحل خلیج مکزیک آمریکا، دوباره به مقصد ژاپن، تایلند و حتی استرالیا راهی دریا می‌شوند.

در مجموع، طی ۹ هفته گذشته، بیش از ۲۵۰ میلیون بشکه نفت خام از چاه‌ها و مخازن ذخیرهٔ آمریکا به خارج صادر شده‌است. این موضوع باعث شده آمریکا بار دیگر به بزرگ‌ترین صادرکننده نفت خام جهان تبدیل شود و عربستان سعودی رابست سر بگذارد. همچنین، آمریکا اکنون به تکیه‌گاه اصلی مصرف‌کنندگان جهانی نفت تبدیل شده؛ زیرا باعث شدن تقریباً کامل تنگه هرمز، عرضه نفت خاورمیانه را مختل کرده‌است.

اما این صادرات بی سابقه هشداریهای نیز به همراه دارد. بسیاری از کارشناسان انرژی می‌پرسند آمریکا تا چه مدت می‌تواند چنین سطحی از صادرات را حفظ کند. ذخایر داخلی نفت و سوخت آمریکا به سرعت در حال کاهش است و برای چهار هفته متوالی پایین آمده‌واکنون به زیر میانگین‌های تاریخی رسیده‌است. در همین حال، تولیدکنندگان نفت آمریکا نیز برای افزایش تولید با مشکل مواجه‌اند. کلایتون سیگل، پژوهشگر ارشد مرکز مطالعات استراتژیک و بین‌المللی در واشنگتن، گفت: «کشتی‌های باری بردن نفت ما می‌آیند، اما وقتی حجم زیادی از نفت از آمریکا خارج می‌شود، طبیعی است که توازن بازار داخلی فشرده‌تر شود. ما عملاً داریم با کاهش ذخایر، خودمان را در موقعیت دشواری قرار می‌دهیم.» این مسئله پیامد‌های جهانی دارد. با وجود صادرات مستعر آمریکا در هفته‌های اخیر، این میزان هنوز نتوانسته کمبود عرضه ناشی از اختلال در تنگه هرمز را جبران کند. قیمت نفت برنت، شاخص اصلی جهانی، از زمان آغاز جنگ حدود ۵۰٪ افزایش یافته و هفته گذشته از ۱۲۶ دلار در هر بشکه عبور کرد؛ بالاترین سطح از سال ۲۰۲۲. اگر صادرات نفت آمریکا به سقف توان خود نزدیک شده باشد، رقابت برای دسترسی به نفت شدیدتر خواهد شد.

در داخل آمریکا نیز پیشی بی‌منی می‌شود تورم انرژی نقش مهمی در انتخابات میان دورای نوامبر داشته باشد. قیمت بنزین به شدت افزایش یافته و برخی رأی دهندگان احتمالاً خواهان دسرید چارلین حجم عظیم نفت به بازارهای خارجی صادر می‌شود. وولاند ترامپ، رئیس جمهور آمریکا، از رشد صادرات نفت تمجید کرده و گفته‌است: «این فوق العاده بوده. میزان نفت و گازی که اکنون می‌فروشیم در سطحی است که هیچ‌کس قبلاً ندیده بود.»

پس از حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، متوسط قیمت هر گالن بنزین بدون سرب در آمریکا به بیش از ۵ دلار رسید. کریس ریلت، وزیر انرژی آمریکا، بارها به این سطح اشاره کرده تا نشان دهد قیمت‌های فعلی هنوز پایین‌تر هستند. اما این عدد در ماه‌های منتهی به انتخابات اهمیت زیادی خواهد داشت. میانگین

قیمت بنزین در آمریکا اکنون از ۴٫۴۰ دلار در هر گالن عبور کرده‌است. جی سینگ، رئیس تحقیقات نفت و گاز آمریکا در شرکت ریستاد انرژی گفت: «ایالات متحده، بحران انرژی جهانی تا حدی دور مانده، اما از جدا نیست.» بخش زیادی از نفت صادراتی آمریکا در جریان جنگ ایران، راهی آسیا شده‌است. پالایشگاه‌های آسیایی تا پیش از این عمدتاً به نفت خلیج فارس وابسته بودند، اما جنگ آن‌ها را مجبور کرده به نفت آمریکا روی بیاورند.

زاین نمونه بازاری از این تغییر است. پیش از جنگ، حدود ۹۰ درصد نفت و سوخت این کشور از خاورمیانه تأمین می‌شد و واردات نفت آمریکا بسیار ناچیز بود. اما اکنون برای یکی از نخستین کشورهای است که به خرید نفت آمریکا آورده است. معامله گران می‌گویند پالایشگاه‌های ژاپنی تاکنون دست کم ۸ میلیون بشکه نفت آمریکا برای بارگیری در ژوئن و نتوپول در اوت خریداری کرده‌اند. در سنگاپور، مرکز تجارت کالا در آسیا، پالایشگاه‌های خرید نفت آمریکا افزایش داده‌اند. تقاضای کره جنوبی که مدت‌ها دومین خریدار بزرگ نفت آمریکا بوده همچنان قوی باقی مانده‌است. البته ژاپن و کره جنوبی ذخایر استراتژیک نفت خود دارند که می‌تواند تا حدی نقش ضربه گیرا ایفا کند. همچنین، مقداری نفت هنوز از امارات متحده عربی و عمان صادر می‌شود. اما مشخص نیست این منابع تا چه مدت دوام خواهند آورد؛ به‌ویژه که اطلاعات چندانی درباره سطح ذخایر ملی این کشورها منتشر نمی‌شود. علاوه بر این، کشورهایمانند برزیل معمولاً نفتی با کیفیت مورد نیاز پالایشگاه‌های آسیایی صادر نمی‌کنند. تبدیل آمریکا از واردکننده خالص نفت به صادرکننده بزرگ جهانی، پدیده‌ای نسبتاً جدید است. این تحول با «انقلاب شیل» در اوایل دهه ۲۰۰۰ آغاز شد؛ زمانی که حفاری اقیقی و فناوری شکست هیدرولیکی (فرکینگ) از نگراس تا داکوتای شمالی تولید داخلی نفت را به سرعت افزایش داد. در سال ۲۰۱۵، آمریکا معمولیت صادرات نفت را پس از تحریم نفتی عرب‌ها در دهه ۱۹۷۰ وضع شده بود. لغو کرد. تا سال ۲۰۱۹، رشد تولید نفت شیل باعث شد آمریکا به صادرکننده خالص نفت و سوخت تبدیل شود.

تحلیلگران می‌گویند تبدیل آمریکا به برقدرت انرژی، به این کشور امکان داده سیاست خارجی جسورانه‌تری اتخاذ کند. فقط در سال جاری، آمریکا رهبر قدرتمندی و نژوئلا را کنار زد، تحریم‌هایی علیه دو شرکت بزرگ نفتی روسیه اعمال کرد و همراه با اسرائیل وارد جنگ با ایران شد؛ اقداماتی که همگی تعادل بازار جهانی نفت را تهدید کردند. ترامپ، که همواره از «سلطه انرژی آمریکا» دفاع کرده، بارها درباره توان آمریکا برای پر کردن خلأ عظیم عرضه نفت ناشی از جنگ ایران صحبت کرده‌است. او در اول مه به خبرنگاران گفت: «اکنون بیش از هر زمان دیگری در تاریخ نفت تولید می‌کنیم. اگر به کشتی‌ها نگاه کنید، همه به سمت تگزاس، لوئیزیانا و آلاسکا می‌آیند.» با این حال، سلطه انرژی آمریکا اکنون در حال رسیدن به محدودیت‌های خود است. از زمان آغاز جنگ ایران، تولید نفت آمریکا حدود ۱۰ هزار بشکه در روز کاهش یافته‌است. با وجود جهش قیمت‌ها، شرکت‌های حفاری تمایلی به افزایش تولید نشان نداده‌اند، زیرا آرتید بازار بسیار نامطمئن است. در نظرسنجی منتشرشده توسط بانک فدرال رزرو لانس، مدیران صنعت انرژی گفته‌اند عدم قطعیت درباره نتیجه جنگ و تأثیر آن بر عرضه و تقاضا، برنامه‌ریزی تجاری را تقریباً غیرممکن کرده‌است. یکی از مدیران شناسا گفته بود: «غیرقابل پیش‌بینی بودن دولت فعلی، مدل‌سازی تجاری را تقریباً ناممکن کرده‌است.» شرکت‌های بزرگ نفتی مانند اکسون موبیل و شورون نیز با اختلال در عملیات خاورمیانه مواجه شده‌اند. مایک ویرث، مدیرعامل شورون، گفت سیستم جهانی انرژی تحت «فشار شدید» قرار دارد. یک روز قبل از آن، شرکت کنوکو فیلیپس هشدار داده بود که «کمبودهای بحرانی» نفت در راه است.

معامله‌گران می‌گویند صادرات نفت آمریکا اکنون به مرز محدودیت‌های عملی نزدیک شده‌است. محدودیت‌های زیرساختی و حمل‌ونقل باعث شده سقف واقعی صادرات پایدار از سواحل خلیج آمریکا حدود ۶ میلیون بشکه در روز باشد؛ هرچند در دوره‌های کوتاه ممکن است به ۷ میلیون بشکه برسد.

Charsogh newspaper

▪ یکشنبه ۲۷ اردیبهشت ۱۴۰۵ ▪ سال دوم ▪ شماره ۴۶۲

بخارنوبت

▪ **نقض اقتصاد** ▪ **راد دست بگیرید**



اهرم چابهار و بندرعباس در معادله اقتصادی ایران – چین

گزارش

۹ در صورت اعطای دسترسی ترجیحی به چین در بنادر چابهار و بندرعباس، ایران می‌تواند از یک مسیر ترانزیتی صرف، به گرهی راهبردی در زنجیره تجارت و حمل‌ونقل ابتکار کمر بند و راه تبدیل شود؛ فرصتی که در صورت مدیریت هوشمندانه، علاوه بر جذب سرمایه و توسعه زیرساخت، جایگاه ژئواکونومیک کشور را نیز ارتقا خواهد داد.

اعطای دسترسی ترجیحی به چین تحت حاکمیت ایران در بنادر چابهار و بندرعباس می‌تواند کشور را به گرهی راهبردی در ابتکار کمربند

و راه چین تبدیل کند. در این چارچوب، ایران علاوه بر درآمد‌های بندری، می‌تواند از طریق جذب سرمایه‌گذاری، توسعه زیرساخت

و مشارکت در زنجیره ارزش ترابری صنعت، موقعیت ژئواکونومیک خود را ارتقا دهد؛ مشروط بر آن‌که این همکاری در قالب یک راهبرد متوازن و توسعه‌محور مدیریت شود.

در سال‌های اخیر، غالباً چابهار و بندرعباس با تعبیری کلی و تکراری مثل «ظرفیت‌های مغفول» یا «مزیت‌های ژئوپلیتیک» توصیف می‌شوند اما اگر از زاویه طراح ابتکار کمر بند و راه در چین به موضوع نگاه کنیم، این دو بندر صرفاً دو نقطه روی نقشه نیستند؛ بلکه بالقوه دو «اهرم» تنظیم‌کننده در زنجیره حمل‌ونقل دریایی-خشکی چین در اقیانوس هند و خلیج فارس اند.

کانون بحث این مطلب، صرفاً «حضور چین در بنادر ایران» نیست. پرسش دقیق‌تر این است که اگر چین در چابهار و بندرعباس به دسترسی ترجیحی دست پیدا کند- یعنی اولویت در اپراتوری، تخفیف تعرفه‌ای، حق مشارکت در توسعه و اطمینان از تداوم دسترسی- چین چگونه شبکه خود را باطرزهایی می‌کند و در این باطرزها، ایران چه سهم موثری می‌تواند مطالبه کند؟

چرا چابهار و بندرعباس از نگاه چین مهم‌اند؟

چین طی دوده‌های اخیر، در اقیانوس هند و پیرامون آن، یک زنجیره بندری چندلایه ساخته‌است؛ از گوآدر در پاکستان تا بنادر در سریلانکا و شرق آفریقا. هدف روشن است؛ کاهش وابستگی به چند گلوگاه محدود و افزایش انعطاف در مواجهه با شوک‌های ژئوپلیتیک. جنگ‌های تجاری و اختلالات حمل‌ونقل دریایی، در این معماری، چابهار و بندرعباس

چینی‌ها در چنین چارچوبی، یک گزینه اضافه به شبکه خود می‌افزایند؛ مسیری که می‌تواند بخشی از ترافیکشان را در شرایط عادی تقسیم و در شرایط بحرانی جذب کند.

ایران که به سمت ترکیه، قفقاز و اروپا امتداد می‌یابد.

چابهار: بیرون از تنگه هرمز، در دریای عمان قرار گرفته و برای چین یک مزیت کلیدی دارد؛ امکان طراحی مسیرهایی که بدون عبور از هرمز، کالا راه ایران، افغانستان، آسیای مرکزی و حتی روسیه برسانند. به بیان ساده‌تر، اگر چین بخواهد یک «مسیرمکمل» برای بخشی از ترافیک کالا و تجهیزات خود در منطقه تعریف کند، ترکیب چابهار-بندرعباس این امکان را فراهم می‌کند که هم ریسک هرمز را مدیریت کند، هم به پشت سرزمین ایران و فراتر از آن دسترسی پیدا کند.

بازطراحی شبکه از جنوب؛ وقتی چابهار و بندرعباس در زنجیره چین وارد می‌شوند
برای فهم ملموس تر موضوع، باید شبکه چین را از جنوب بخوانیم. اگر فرض کنیم چین در هر دو بندر دسترسی ترجیحی به دست آورد، محتمل‌ترین سناریو این است که:

اول، چابهار به هاب مکمل دریای عمان تبدیل می‌شود؛ در این سناریو، بخشی از محموله‌های کانتنبری و کالاهای عمومی چین که به مقصد بازارهای منطقه‌ای یا فرامنطقه‌ای می‌روند، به جای تمرکز کامل بر بنادر کشورهای حاشیه جنوبی خلیج فارس، در چابهار تخلیه می‌شوند. از

این نقطه، دو مسیر باز است: انتقال بار به شبکه ریلی و جاده‌های ایران به سمت شرق و شمال (افغانستان، آسیای مرکزی، و در امتداد آن روسیه) یا جابه‌جایی بخشی از بار به سمت بندرعباس از طریق حمل

ساحلی، برای تغذیه بازارهای خلیج فارس و اتصال به ریل داخلی. برای چین، چابهار در این قالب نه «جایگزین» بنادر دیگر، بلکه سوپاپ اطمینان در مواجهه با ریسک‌های هرموز و از جام بنادر رقیب است.

دوم، بندرعباس به هاب توزیعی خلیج فارس ایران ارتقا می‌یابد؛ اگر اپراتورهای چینی در ترمینال‌های بندرعباس نقش جدی بگیرند، منطقی است که بخشی از شبکه ترابری خود را از این بندر تنظیم کنند. این به معنای آن است که بخشی از بار به جای تخلیه در بنادر رقیب، از بندرعباس به سمت بازارهای عراق و سایر نقاط منطقه بازتوزیع شود و از سوی دیگر، بندرعباس به نقطه اتصال ریل-دریا برای ورود کالاهای چینی به عمق ایران و سپس به ترکیه، قفقاز و فراتر از آن تبدیل گردد.

اخبار

ایران چه سهمی می‌تواند مطالبه کند؟

«دسترسی ترجیحی» اگر بد تعریف شود، این خطر را دارد که به معنای نوعی واگذاری یک طرفه تعبیر شود اما اگر با طراحی دقیق همراه باشد، می‌تواند چند سطح آورده برای ایران ایجاد کند:

۱. درآمد‌های مستقیم بندری و ترانزیتی: این موضوع، بدیهی‌ترین سطح است؛ درآمد از تعرفه‌های بندری، انبارداری، خدمات لجستیکی و عوارض ترانزیت ریلی / جاده‌ای، همراه با ایجاد اشتغال مستقیم در بنادر و شبکه حمل‌ونقل متصل به آن‌ها.

۲. سرمایه‌گذاری در زیرساخت و بازسازی: دسترسی ترجیحی چین به بنادر باید با تعیین سهم چین در «بازسازی و توسعه ایران» همراه شود. به زبان ساده، هر قرارداد بندری باید در بسته‌ای بزرگ‌تر دیده شود؛ افزایش ظرفیت ریل، توسعه زیرساخت‌های برق و انرژی پیرامون بندر و شکل‌گیری مناطق صنعتی و آزاد یا سرمایه و فناوری چینی.

۳. ورود به زنجیره ارزش ترابری-صنعت: اگر در اطراف چابهار و بندرعباس، واحدهای فرآوری، مونتاژ و تولید مشترک شکل بگیرد، کالاهایی که از چین وارد می‌شوند، می‌توانند در خاک ایران ارزش افزوده پیدا کنند و سپس به بازارهای سوم (مثلاً عراق، آسیای مرکزی یا شرق آفریقا) صادر شوند. این یعنی ایران صرفاً «مسیر عبور» نیست، بلکه بخشی از زنجیره تولید و صادرات می‌شود.

۴. ارتقای موقعیت ژئواکونومیک: حضور مشارکتی چین در بنادر ایران به عنوان بخشی از «تعمیق شراکت استراتژیک»، می‌تواند موقعیت ایران را از یک فروشنده نفت و گاز، به یک بازیگر ترابری-صنعتی در راهبرد منطقه‌ای چین ارتقا دهد؛ البته مشروط بر آن‌که این حضور به صورت هوشمند مدیریت شود.

شرط لازم: ترجیح بدون از دست دادن اهرم

با همه این‌ها، مسئله اصلی برای ایران این است که چگونه «امتیاز ترجیحی» را بدهد، بدون آن‌که در عمل اهرم خود را از دست بدهد. چند قید کلیدی در این میان اهمیت دارد:

حفظ تعادل حاکمیتی: مدل‌های مشارکت می‌توانند به گونه‌های طراحی شوند که اپراتورهای چینی در مدیریت و بهره‌برداری نقش جدی داشته باشند اما کنترل حاکمیتی بندر در اختیار ایران باقی بماند؛ ترکیبی از سقف مالکیت، رژیم‌های نظارتی و حضور شرکت‌های ایرانی در ساختار سهامداری می‌تواند این تعادل را تأمین کند.

اجتناب از انحصار مطلق: دسترسی ترجیحی لزوماً به معنای حذف سایر بازیگران نیست. می‌توان برای بازارهای مشخص، دوره‌های زمانی معین یا پروژه‌های تعریف‌شده، اولویت و تخفیف قائل شد؛ بدون آن‌که بندر عملاً به یک بندر تک‌مشتري تبدیل شود. هماهنگی با نقشه کلان کردیروهای ایران: چابهار و بندرعباس نباید هر کدام در مدار جداگانه‌ای با چین تعریف شوند. اگر این دو بندر قرار است به اهرم تبدیل شوند، باید در قالب یک استراتژی واحد (دریای عمان-خلیج فارس-سرزمین فراسرزمین ایران) دیده شوند؛ استراتژی‌ای که اتصال به کردیور شمال-جنوب، آسیای مرکزی و مسیرهای غربی (ترکیه و فراتر از آن) را هم‌زمان در نظر می‌گیرد.

در مجموع، چابهار و بندرعباس، اگر صرفاً به عنوان «دارایی فریزیکی» دیده شوند، در بهترین حالت چند خط در گزارش‌های رسمی و چند قرارداد بندری برای ایران به همراه خواهند داشت. اما اگر به عنوان اهرم ژئواکونومیک در تعامل با چین تعریف شوند، می‌توانند جایگاه ایران را در معماری جدید شرق-غرب ارتقا دهند. برای چین، دسترسی ترجیحی به این دو بندر، ابزاری برای بازطراحی شبکه و کاهش ریسک است؛ برای ایران، فرصتی است تا بنادر را از سطح تأسیسات به سطح ابزار چانه‌زنی، جذب سرمایه و پیوند با زنجیره ارزش منطقه‌ای ارتقا دهد. تحقق این سناریو اما مشروط به یک پیش‌فرض کلیدی است: این‌که در ایران، بنادر در به عنوان «خط دفاعی صرف»، بلکه به عنوان «مدل‌های یک استراتژی توسعه‌محور» دیده شوند.

جنگ خلیج فارس چگونه به مسافران و صنعت هواپیمایی آسیب می‌زند

میلیارد یورو افزایش یافته است. او بر اهمیت هماهنگی بیشتر میان کشورهای عضو اتحادیه اروپا تأکید کرد.

فون درلاین گفت: «ما خواستار هماهنگی قوی‌تره‌تنها در پرکردن ذخایر ملی گاز، بلکه در زمینه ذخایر سوخت – به‌ویژه سوخت جت و گازوئیل– هستیم؛ زیرا بازارها تحت فشار قرار گرفته‌اند.»

هفته گذشته کمسیون اروپا طرح «Accelerate EU» را آغاز کرد که شامل نظارت بر ذخایر سوخت جت و هماهنگی تأمین سوخت برای خطوط هوایی و فرودگاه‌های سراسر اتحادیه است.

چارتون از شرکت Aviation Advocacy گفت سامانه رصد سراسری سوخت در اتحادیه اروپا که برای شناسایی ذخایر موجود سوخت جت و بهینه‌سازی توزیع آن ایجاد شده «راه‌اندازی شده» و «اقدامی قابل تقدیر» است.

باین حال، برخی معتقدند نظارت و هماهنگی اتحادیه اروپا می‌تواند پیامدهای احتمالی را کاهش دهد، اما در صورت طولانی شدن بحران گازی نخواهد بود. اکتیمیو از دانشگاه دوولین گفت: این اقدامات می‌تواند مانع تبدیل کمبود سوخت در یک کشور به بحران فراگیر صادرات سوخت جت هستند، زیرا نفت ذخایر کمبود سوخت جت و احتمال بروز بحران جدید هزینه‌های زندگی به این معناست که بسیاری از فرودگاه‌های منطقه‌ای در سراسر قاره با شوک هم‌زمان عرضه و تقاضا روبرو به خواهند شد. برای آنها این مسئله چیزی کمتر از یک تهدید وجودی نیست.»

با این حال، او افزود فرودگاه‌های اروپا هنوز با کمبود واقعی سوخت مواجه نشده‌اند.

تأکید کمسیون اروپا بر هماهنگی میان کشورهای عضو

اوروزلا فون درلاین، رئیس کمسیون اروپا، روز چهارشنبه در سخنرانی خود در پارلمان اروپا گفت: تنها طی ۶۰ روز گریزی، هزینه واردات سوخت‌های فسیلی ما بیش از ۲۷



آتش‌سوزی در یک فرودگاه در آلمان، در حالی که آتش‌سوزی در فرودگاه دیگری در فرانسه، در پس‌زمینه دیده می‌شود.

این انجمن از اتحادیه اروپا خواسته الزامات قوانین ضد «تاکترینگ» را کاهش دهد؛ قوانینی که شرکت‌های هواپیمایی را ملزم می‌کند ۹۰ درصد سوخت مورد نیاز خود را در داخل اتحادیه بارگیری کنند. هدف این قوانین جلوگیری از سوخت‌گیری شرکت‌ها در کشورهای بی استناداری زیست‌محیطی پایین‌تر سوخت‌ازران‌تر است. همچنین درخواست شده هماهنگی بیشتر انتشار آل‌آینده‌های اتحادیه اروپا به‌طور موقت تعلیق شود؛ سیستمی که شرکت‌های هواپیمایی فعال در اتحادیه را ملزم به پرداخت هزینه انتشار کربن می‌کند. اورانیا جورجوتساکو (Ourania Georgoutsakou)، مدیرعامل A۴E، در بیانیه‌ای گفت: اینها اقداماتی موقتی برای عبور از شرایط فعلی هستند و در کنار آن باید برنامه‌ریزی بلندمدت‌تری برای آماده‌گی در آینده انجام شود.

شورای بین‌المللی فرودگاه‌ها (ACI) که خود را صدای

تنگه هرموز اد می‌شد؛ مسیری که اکنون تقریباً غیرقابل عبور شده است.

افزایش هزینه سفرهای هوایی با کاهش پروازها و اعمال هزینه اضافی

برخی شرکت‌های هواپیمایی این افزایش هزینه را به مسافران منتقل کرده‌اند. گفته می‌شود ایر فرانس-کی‌اام برای پروازهای طولانی مدت ۱۰۰ یورو هزینه اضافی تعیین کرده، در حالی که لوفت‌هانزا در ۲۲ آوریل اعلام کرد طی شش هفته آینده ۲۰ هزار پرواز کوتاه‌برد را حذف خواهد کرد. شرکت هواپیمایی اسکندناوی نیز حدود هزار پرواز را لغو می‌کند.

سپاستین جاستوم (Marina Efthymiou)، معاون ارشد ایر فرانس-کی‌اام، در رویدادی در پارلمان اروپا گفت: «ما مجبور به انجام این کار هستیم، زیرا در غیر این صورت ظرف چند ماه ورشکسته خواهیم شد.»

بر اساس گزارش اخیر شرکت مشاوره‌ای تنئو، قیمت بلیت هواپیمایی یک سال گذشته ۲۲ درصد افزایش یافته‌است. اندرو چارلتون (Andrew Charlton)، مدیرعامل شرکت مشاوره Aviation Advocacy، گفت اگرچه در حال حاضر ذخایر سوخت کافی است، اما درباره آینده ابهام‌زادی وجود دارد.

او به دوپچه‌وله گفت: همین نااطمینانی و همچنین هزینه‌های اضافی برای پرنگه داشتن مخازن سوخت باعث گران‌تر شدن بلیت‌ها شده‌است. مسافران باید انتظار صندلی‌های کمتر و پیشنهادهای ارزان‌کمتری در بازار داشته باشند.

انجمن «شرکت‌های هواپیمایی اروپا» (A۴E) که متشکل از ۱۶ شرکت هواپیمایی اروپایی است ومدعی نمایندگی ۸۰ درصد ترافیک هوایی اروپا است، از اتحادیه اروپا خواسته اقدامات فوری برای کاهش پیامدهای جنگ ایران انجام دهد.



اقتصاد جنگ: تاب‌آوری اجتماعی در مسیر بازسازی اقتصادی

ادامه از صفحه اول
🔗 برای خانوارهای کم‌درآمد، مهم‌ترین مسئله حفظ حداقل معیشت است. در دوره پسا‌جنگ، افزایش قیمت غذا، دارو، حمل‌ونقل، اجاره، انرژی و کالاهای اساسی می‌تواند فشار سنگینی بر دهک‌های پایین وارد کند. سیاست حمایتی باید در این حوزه با حساسیت بیشتری عمل کند. پرداخت نقدی هدفمند، کالابرج برای کالاهای اساسی، حمایت از هزینه درمان، کمک به اجاره یا مسکن اضطراری، و تثبیت دسترسی به نان، دارو و انرژی پایه می‌تواند بخشی از فشار را کاهش دهد. اما این حمایت‌ها باید به‌گونه‌ای طراحی شود که هم‌کرامت خانوار حفظ شود و هم منابع کشور به شکل غیرهد فمند هدر نرود. برای طبقه متوسط آسیب‌پذیر نیز باید سیاست جداگانه‌ای در نظر بگیریم. در بسیاری از بحران‌ها، طبقه متوسط به‌سرعت به طبقات پایین تر سقوط می‌کند، زیرا درآمد ثابت دارد اما هزینه‌های زندگی با تورم افزایش می‌یابد. کارمندان، معلمان، بازنشستگان، پرستاران، کارگران رسمی و بسیاری از صاحبان مشاغل خرد ممکن است ظاهراً در آمارهای فقر شدید قرار نگیرند، اما در عمل با کاهش جدی قدرت خرید مواجه شوند. اگر این گروه را نادیده بگیریم، فشار اجتماعی و روانی بحران افزایش می‌یابد. بنابراین حمایت پسا‌جنگ نباید فقط به دهک‌های بسیار پایین محدود شود و باید طبقات متوسط آسیب‌دیده را نیز در نظر بگیرد.

در کنار خانوارها، حمایت از کسب‌وکارهای آسیب‌دیده اهمیت تعیین‌کننده دارد. اگر بنگاه‌های کوچک و متوسط در دوره پسا‌جنگ تعطیل شوند، بعداً باید هزینه بیکاری، فقر، کاهش تولید و کاهش درآمد مالیاتی را بپردازیم. بنابراین حفظ بنگاه‌های سالم اما آسیب‌دیده، نوعی سرمایه‌گذاری اجتماعی است. تنفس مالیاتی و بیمه‌ای، تعویق بازپرداخت وام‌ها، سرمایه‌پر در گردش از قیمت، ضمانت اعتباری، کمک به تأمین مواد اولیه و حمایت از حفظ اشتغال می‌تواند مانع تعطیلی گسترده بنگاه‌ها شود. البته این حمایت‌ها باید به بنگاه‌هایی برسد که واقعاً آسیب دیده‌اند و امکان بازگشت به فعالیت دارند، نه بنگاه‌های ناکارآمدی که از بحران برای دریافت رانت استفاده می‌کنند. در اینجا باید میان «حمایت از تولید» و «توزیع رانت» مرز روشنی بکشیم. حمایت از تولید یعنی کمک به بنگاه‌ی که نقش واقعی در اشتغال، زنجیره تأمین، تولید کالاهای ضروری یا صادرات دارد و به دلیل شرایط جنگی دچار مشکل شده است. اما توزیع رانت یعنی تخصیص منابع ارزان، ارز ترجیحی، انرژی یارانه‌ای یا تسهیلات بانکی به بنگاه‌هایی که نه بهره‌وری دارند، نه شفاف‌اند و نه تعهدی نسبت به اشتغال و تولید واقعی نشان می‌دهند. اقتصاد جنگ تحمل چنین اتلافی را ندارد. هر حمایتی باید مشروط به حفظ اشتغال، استمرار تولید، شفافیت مالی و ارائه گزارش عملکرد باشد.

مسئله مهم دیگر، نحوه تأمین مالی حمایت‌هاست. حتی ضروری‌ترین سیاست‌های حمایتی نیز اگر از مسیریهای تورم‌زا تأمین شوند، در نهایت اثر خود را از دست می‌دهند. باید تا حد ممکن منابع حمایت را از جابه‌جایی هزینه‌های غیرضروری، کاهش پروژه‌های کم‌اولویت، صرفه‌جویی در هزینه‌های جاری، فروش دارایی‌های راکد، افزایش بهره‌وری شرکت‌های دولتی و اصلاح تخصیص یارانه‌ها یا پنهان تأمین کنیم. حمایت از مردم نباید پنهانه‌ای برای بی‌انضباط مالی شود. در اقتصاد جنگ، هم حمایت لازم است و هم انضباط؛ یکی بدون دیگری پایدار نخواهد بود. از همین جا بحث شرکت‌های دولتی اهمیت پیدا می‌کند. در شرایطی که از مردم انتظار تحمل فشار، صرفه‌جویی، پرداخت مالیات، کاهش مصرف و همراهی با سیاست‌های سخت داریم، باید انضباط مالی و شفافیت عملکرد شرکت‌های دولتی و بنگاه‌های بزرگ عمومی را تقویت کنیم. این شرکت‌ها هم‌اکنون نیز در چارچوب‌های قانونی مورد حساس‌رسی قرار می‌گیرند، اما مسئله اصلی آن است که نتایج این حساس‌رسی‌ها تا چه اندازه به اصلاح عملکرد، افزایش بهره‌وری، کنترل هزینه‌ها، سامان‌دهی دارایی‌های راکد و پاسخگویی مدیریتی منجر می‌شود. بخش بزرگی از منابع کشور، انرژی ارزان، تسهیلات بانکی، دارایی‌ها و پروژه‌های سرمایه‌گذاری در اختیار این شرکت‌هاست. بنابراین در دوره پسا‌جنگ باید اطمینان حاصل کنیم که این منابع به‌احداکثر کارایی و در راستای اهداف بازسازی اقتصادی به کار گرفته می‌شوند.

شفافیت و ارزیابی عملکرد شرکت‌های دولتی در دوره پسا‌جنگ یک اقدام جمعی یا صرفاً اداری نیست؛ ضرورتی برای تقویت اعتماد عمومی است. مردم زمانی سیاست‌های سخت‌رأی‌تر را بهتر می‌پذیرند که احساس کنند فشارها فقط بر دشمن آنها نیست و نهاد‌های بزرگ اقتصادی کشور نیز در مسیر انضباط، صرفه‌جویی و بهره‌وری حرکت می‌کنند. اگر خانوارها با افزایش قیمت‌ها و محدودیت‌ها مواجه باشند، اما شرکت‌های بزرگ دولتی با هزینه‌های غیرضروری، پروژه‌های کم‌بازده، دارایی‌های غیرفعال یا ضعف پاسخگویی ادامه مسیر دهند، اعتماد اجتماعی آسیب می‌بیند. در اقتصاد جنگ، شفافیت اقتصادی بخشی از انسجام ملی است. برای تقویت انضباط در شرکت‌های دولتی، چند اقدام ضروری است: انتشار منظم‌تر، قابل فهم‌تر و قابل مقایسه‌تر صورت‌های مالی و گزارش‌های عملکردی؛ استفاده مؤثرتر از نتایج حساس‌رسی در اصلاح مدیریت و کنترل هزینه‌ها؛ شناسایی و فعال‌سازی یا واگذاری دارایی‌های راکد؛ بازنگری در پروژه‌های کم‌بازده؛ انضاط پاداش مدیران به بهره‌وری، سودآوری واقعی و تحقق اهداف تولیدی؛ و شفاف‌سازی میزان استفاده این شرکت‌ها از انرژی، تسهیلات، ارز و سایر حمایت‌های دولتی. بدون این اقدامات، اصلاح اقتصادی فقط از مردم و بخش خصوصی کوچک مطالبه خواهد شد، نه از ساختارهای بزرگ مصرف‌کننده منابع.

نکته مهم آن است که عدالت اجتماعی در اقتصاد جنگ فقط به معنای پرداخت یارانه بیشتر نیست. عدالت یعنی هزینه‌های بحران منصفانه توزیع شود، گروه‌های آسیب‌پذیر تنها نمانند، بنگاه‌های کوچک قربانی نشوند، شرکت‌های بزرگ پاسخگو باشند و منابع عمومی با انضباط مصرف شود. اگر سیاست حمایتی را بدون اصلاح ساختارهای ناکارآمد اجرا کنیم، به تورم و کسری بودجه منجر می‌شود. اگر اصلاح ساختاری را بدون حمایت اجتماعی پیش ببریم، فشار آن بر مردم سنگین خواهد بود. راه درست، ترکیب حمایت هدفمند با انضباط نهادی است. در دوره پسا‌جنگ، اعتماد عمومی یکی از کمیاب‌ترین سرمایه‌های اقتصادی ماست. برای موفقیت در بازسازی، مدیریت انرژی، کنترل ارز، اصلاح یارانه‌ها و احیای تولید، به همراهی مردم نیاز داریم. این همراهی با دستور به دست نآید؛ با احساس عدالت، شفافیت و صداقت شکل می‌گیرد. مردم باید ببینند که حمایت‌ها به آسیب‌دیدگان واقعی می‌رسد، منابع عمومی هدر نمی‌رود، شرکت‌های بزرگ در مسیر بهره‌وری و پاسخگویی قرار می‌گیرند و هزینه‌های بحران به شکل منصفانه توزیع می‌شود.

گزارش

به دلیل کمبود عرضه شاهد قیمت بالای مرغ هستیم که بحران نقدینگی و تضعیف تولیدکنندگان کوچک از دلایل این مشکل است.

سید فرزاد طلاکش با اشاره به وابستگی شدید صنعت دام و طیور به واردات گفت: بیش از ۸۵ درصد نهاده‌های دامی و بخش بزرگی از دارو و واکنس‌ها وارداتی است. مبنای اولیه دولت برای آزادسازی قیمت‌ها، ارز ۱۱۲ هزار تومانی بود، اما اکنون این نرخ به ۱۴۵ هزار تومان رسیده است. این یعنی هزینه‌های تولید در کل زنجیره حدود ۲۵ درصد افزایش یافته و قیمت منطقی مرغ برای مصرف‌کننده (با احتساب سود عادلانه) باید حدود ۳۶ هزار تومان باشد؛ در حالی که به دلیل کمبود عرضه، اکنون در بازار شاهد قیمت‌های بالای ۴۰۰ هزار تومان هستیم. طلاکش عدم تعادل فعلی بازار را ناشی از سه عامل اصلی و محقق نشدن وعده‌های دولتی دانست:

۱. بحران نقدینگی: با ۵ برابر شدن هزینه‌ها پس از آزادسازی ارز، دولت قول تأمین نقدینگی داده بود که عمل نکرد. در حال حاضر دولت ۱۵ ماه‌دهی ارزی به واردکنندگان دارد.

۲. تضعیف تولیدکنندگان کوچک: ۸۰ درصد مرغداران ایران (حدود ۱۹ هزار واحد) ظرفیت زیر ۳۰ هزار قطعه دارند. این تولیدکنندگان توان خرید دانه با قیمت‌های جدید را ندارند و به همین دلیل میزان جوچه‌ریزی در ماه‌های بهمن، آسفند و فروردین به شدت کاهش یافته است.

۳. عدم اصلاح اعتبار کالبرگ‌ها: اعتبار یک میلیون تومانی کالبرگ‌ها بر اساس محاسبات قدیمی (ارز ۱۱۲ تومانی) است، با گران شدن مرغ، قدرت خرید مردم کاهش یافته و سفره‌های پروتئینی با مشکل جدی مواجه شده است.

وی در توضیح وضعیت فعلی بازار اظهار داشت: مرغداران به دلیل مشکلات مالی، مرغ‌ها را با وزن کم‌تر و زودتر از موعد به کشتارگاه می‌فرستند تا هزینه‌دان کم‌تری بپردازند. از سوی دیگر، به دلیل

گرانی شدید سایر محصولات پروتئینی، تقاضا برای مرغ به شدت افزایش یافته و این شکاف میان «تولید کم» و «تقاضای بالا»، قیمت‌ها را به صورت غیرمنطقی بالا برده است.

طلاکش با حمایت از موضع وزارت جهاد کشاورزی در خصوص عدم مداخله مقامات استانی در قیمت‌گذاری، تصریح کرد: تولید در همه استان‌ها یکسان نیست و ۱۲ تا ۱۴ استان قطب اصلی تولید کشور هستند. وقتی مقامات استانی برای کاهش مقطعی قیمت فشار می‌آورند، بازار کلان کشور به هم می‌ریزد. این نوع مداخلات «سروکوب تولید» است و در درازمدت باعث نابودی مرغداران و گرانی بیشتری می‌شود.

دبیر فدراسیون دام و طیور تأکید کرد: ایران جزو کشورهایی است که ناگزیر به تولید داخلی است. واردات مرغ و تخم‌مرغ به دلیل محدودیت‌های لجستیکی، عمر کوتاه ماندگاری محصولات و حجم بالای نیاز کشور (۱٫۵ میلیون تن تخم‌مرغ و ۲٫۵ میلیون تن مرغ)، حتی با دوبرابر قیمت جهانی هم امکان‌پذیر نیست. بنابراین تنها راه، حمایت از تولید داخل است.

درخواست از دولت: کالبرگ‌ها را به‌روز کنید

طلاکش در پایان خاطرنشان کرد: از دولت تقاضا داریم اعتبار کالبرگ‌ها متناسب با نرخ فعلی ارز تورم اصلاح‌کنند تا قدرت خرید مردم ترمیم شود. اگر اقتصاد سفره‌مردم تنظیم نشود، تولیدکننده نیز آسیب‌دیده و امنیت غذایی کشور به خطری افتد. ما نیازمند یک برنامه بلندمدت و ثبات در تصمیم‌گیری هستیم تا بهره‌ها شاهد نوسان قیمت نباشیم.

توزیع مرغ منجمد به کمک تنظیم بازار آمد

بنا بر گفته کارشناسان، با توجه به افزایش روند جوچه‌ریزی‌ها و توزیع مرغ منجمد در راستای تنظیم بازار، انتظاری می‌رود که نقدینگی واحدهای مرغداری و افزایش رقم کالبرگ خانوار صورت بگیرد تا بازار به تعادل و آرامش برسد.

بررسی‌ها از سطح بازار نشان می‌دهد که قیمت مرغ نوساناتی در بازار



وضعیت بازار مرغ پس از حذف ارز ترجیحی

داشته‌است که فعالان امرگاش جوچه‌ریزی و افزایش هزینه‌های تولید را عامل اصلی این امر می‌دانند، اما به‌طور کلی مرغ در محدوده قیمت‌های ارشادی در حال عرضه است که دولت با افزایش مبلغ کالابرج می‌تواند کاهش قدرت خرید خانوار را جبران کند. در همین ارتباط اکبر فتحي معاون برنامه‌ریزی و امور اقتصادی وزارت جهاد گفت: در این جنگ تولیدکنندگان محصولات پروتئینی از جمله مرغ و تخم مرغ خود را کمتر از قیمت تمام‌شده عرضه کردند و در حال زيان بودند که پس از برقراری آتش‌بس، متعادل شدن قیمت به‌گفته‌ی وی، اکنون هر کیلو تخم مرغ به نرخ ارشادی ۲۱۰ هزار تومان

رسیده و همواره تولید مرغ روند منطقی خود را طی می‌کند و گرانی بابت تولید محصولات پروتئینی، ایمنی و سایر کالاهای اساسی وجود ندارد.

فتحي ادامه داد: با توجه به آزادسازی نرخ نهاده‌های دامی در سال گذشته، قیمت اقلامی همچون مرغ و تخم مرغ باید با سود متعارف تعیین و عرضه‌شود چراکه وضعیت این بخش از سفره غذایی مردم را تشکیل می‌دهند، در این راستا بزارسان وزارت جهاد و سایر دستگاه‌های ذی‌ربط با شنسید نظارت‌ها با گران فروشان برخورد می‌کنند.

جوچه‌ریزی اردیبهشت به ۱۲۰ میلیون قطعه می‌رسد

محمدرضا صدیق پور دبیر انجمن تولیدکنندگان جوچه‌ریز روز پنج‌شنبه گفت: اینکه وضعیت این نهاده‌های دامی به‌حد مطلوبی رسیده‌است، گفت: واحدهای مرغ‌کوشی که تا چند وقت

پیش‌انگیزه‌ای برای جوچه‌ریزی نداشتند، تا حدی به‌جوجه‌ریزی ترغیب شدند و به‌واسطه شرایط صفی برای خرید جوچه تشکیل شده‌است که خوشبختانه با برنامه‌ریزی صورت گرفته، تولید جوچه رویه افزایش است.

به‌گفته‌ی وی، برای اردیبهشت پیش‌بینی می‌شود که تولید جوچه به ۱۱۵ تا ۱۲۰ میلیون قطعه برسد که عدد قابل قبولی است و برای خرداد به ۱۳۰ میلیون قطعه خواهد رسید که از نظر میزان تولید و مصرف، مازاد تولیدی برای تولیدکنندگان در بر خواهد داشت که با هماهنگی با وزارت جهاد این موضوع را مدیریت خواهیم کرد. صدیق پور ادامه داد: بنا بر آمار در فروردین ۹۵ میلیون قطعه جوچه‌ریزی صورت گرفت چراکه به‌واسطه شرایط مرغداران تمایلی به جوچه‌ریزی نداشتند و این امر باعث شد برخی گله‌های مادر نتوانند به تولید ادامه دهند که با تولک‌بری برخی گله‌های جوان به چرخه تولید بازمی‌گردند که بر این اساس جوچه‌ریزی خرداد به ۱۳۰ میلیون قطعه خواهد رسید که با هماهنگی با وزارت جهاد در آینده نزدیک این موضوع مدیریت خواهد شد تا شاهد نوسانات قیمت مرغ و جوچه در بازار نباشیم.

محدودیتی در توزیع مرغ منجمد نداریم

پرویز جعفری مدیرعامل پشتیبانی امور دام گفت: با توجه به ذخایر مناسب و مکنفی مرغ، به‌طور مستقیم و غیرمستقیم توزیع مرغ منجمد در حال انجام است.

به‌گفته‌ی وی، در حال حاضر پشتیبانی امور دام هر کیلو مرغ منجمد با نرخ ۲۴۰ هزار تومان عرضه می‌کند که در نهایت با قیمت ۲۵۵ هزار تومان توسط مباشران توزیع به مصرف‌کننده می‌رسد.

جعفری با بیان اینکه محدودیتی در توزیع مرغ منجمد نداریم، افزود: طی فراخوان عمومی اعلام کردیم که هر یک از شهرها در صورت نیاز، مرغ منجمد توزیع می‌شود و تاکنون مشکلی در رحث عرضه ناشی از شرایط مکنفی ذخایر نداریم.

مدیرعامل پشتیبانی امور دام گفت: تولید قراردادی در راستای حمایت از تولید انجام می‌شود، در مقطعی قیمت جوچه بسیار پایین بود و پشتیبانی امور دام با تولید قراردادی به دنبال جذابیت بازار است، اما در شرایط کنونی تقاضای برای جوچه‌کی‌روزه بالاست که

بر این اساس نیازی به تولید قراردادی نیست. گفتنی است ۱۲۰ هزار تن مرغ از طریق تولید قراردادی در بازار عرضه‌شد. حبیب‌اسدالله نژاد مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی کشور گفت: برآوردها حاکی از آن است که جوچه‌ریزی اردیبهشت به ۱۲۰ میلیون قطعه برسد که نسبت به ماه قبل ۲۴ میلیون قطعه رشد داشته است. مرغ و تخم مرغ به‌طور کامل قابل تأمین است به‌طوری که کمبودی در بحث عرضه‌ند نداریم، اسدالله نژاد با بیان اینکه روند جوچه‌ریزی‌ها افزایشی است، افزود: براساس برآوردهای صورت گرفته، جوچه‌ریزی خرداد ۱۰ میلیون قطعه رشد خواهد داشت. مدیرعامل اتحادیه مرغداران گوشتی ادامه داد: با تحقق ۱۲۰ میلیون قطعه جوچه‌ریزی، ۲۲۰ هزار تن گوشت مرغ تولید خواهد شد که بر این اساس نیاز روزانه ۷ تا ۷ هزار و ۵۰۰ تن قابل تأمین است.

این مقام مسئول قیمت کنونی مرغ را در حاشیه نرخ منطقی دانست و گفت: با توجه به افزایش هزینه‌های تولید و سایر مؤلفه‌ها، قیمت منطقی است، اما پرداخت کالبرگ تأثیری در بازار مرغ ندارد چراکه ابتدا قرار بود تنها به محصولاتی که ارز آنها حذف شده، تخصیص یابد.

با توجه به افزایش روند جوچه‌ریزی‌ها و توزیع مرغ منجمد از سوی پشتیبانی امور دام پیش‌بینی می‌شود که جلوی نوسانات قیمت بالاتر از نرخ ارشادی گرفته‌شود و تنها دولت برای پایداری تولید و افزایش قدرت خرید خانوار باید نسبت به تأمین نقدینگی واحدهای مرغداری و افزایش رقم کالبرگ اقدام کند.

ایران جزو کشورهایی است

که ناگزیر به تولید داخلی

است. واردات مرغ و تخم مرغ

به دلیل محدودیت‌های

لجستیکی، عمر کوتاه

ماندگاری محصولات و حجم

بالای نیاز کشور (۱٫۵ میلیون

تن تخم مرغ و ۲٫۵ میلیون

تن مرغ)، حتی با دو برابر

قیمت جهانی هم امکان‌پذیر

نیست، بنابراین تنها راه،

حمایت از تولید داخل است

که با توجه به تجربه جهانی و نیاز میرم بازار، کافی به نظر نمی‌رسد.

مورد سوم: اصلاح نظام ثبتی و حقوقی به عنوان زیرساخت کلیدی هرگونه تحول مالی ضرورت دارد. شفافیت مالکیت، ثبت رسمی و وثایق و مکانیسم‌های سریع تملک و مزایده، از پیش‌نیازهای اساسی توسعه بازار رهن هستند. بدون این زیرساخت‌ها، هیچ ابزار مالی مدرنی نمی‌تواند به‌درستی عمل کند.

مورد چهارم: بهره‌گیری از مدل‌های مالی مکمل مانند تأمین مالی خرد، مشارکت عمومی-خصوصی و صندوق‌های تأمین رهنی (به‌ویژه برای تأمین مسکن گروه‌های کم‌درآمد)، می‌تواند مفید واقع شود. تجربه بانک گرامین در بنگلادش که با وام‌های خرد به خانوارهای روستایی امکان ساخت مسکن داد پروژه‌های مشارکتی در کنیا و هند، نشان می‌دهد که نوآوری مالی محدود به کشورهای نوظهور نیست.

مورد پنجم: انکای صرف به بانک‌های تجاری با کاهش ریسک، ایجاد بانک‌های رهنی تخصصی یا تقویت ظرفیت بانک مسکن به عنوان نهاد متولی، با روش‌های تأمین مالی مبتنی بر اوراق ی‌ونه‌صرف‌سپرده‌ها می‌تواند کام‌مؤثر واقع شود. در این مسیر، استفاده از اوراق قرضه تضمین شده مشابه مدل دانمارک و آلمان که در آن وام‌های مسکن با انتشار اوراق خاصی تأمین مالی می‌شوند و ریسک نرخ بهره به‌طور طبیعی پوشش داده می‌شود، توصیه می‌شود.

در پایان باید اظهار داشت که حل بحران مسکن در ایران نیازمند رویکردی یکپارچه و هماهنگ است که باید اصلاحات نهادی، توسعه مالی و سیاست‌های اجتماعی را دنبال کند. هیچ ابزار یا روش واحدی، جادوگر نخواهد بود. آنچه کشورها موفق‌تر از ناموفق‌چامی‌کنند، نه‌تک

سیاست مجزأه‌است؛ بلکه ترکیب هوشمندانه و متناسب مجموعه‌ای از ابزارها با درک عمیق از شرایط بومی است. نظام بانکی ایران نمی‌تواند به‌تنهایی قادر به پاسخگویی به نیازهای عظیم و متنوع بخش مسکن نیست و زمان آن فرا رسیده که با بهره‌گیری از تجارب جهانی، افق‌های جدیدی در تأمین مالی مسکن ایجاد شود.



کشورهایی مانند استرالیا، ژاپن و سنگاپور نشان می‌دهد که صندوق‌های املاک و مستغلات می‌توانند نقش مهمی در تأمین مالی پروژه‌های بزرگ مسکن ایفا کنند و در عین حال نقدینگی مورد نیاز بازار را تأمین کنند.

تجارب موفق جهانی در سیاست‌گذاری مسکن

کشورهای توسعه‌یافته با برخورداری از چهارچوب حقوقی شفاف، سیستم ثبتی کارآمد و ثبات نسبی در نظام پولی، توانسته‌اند وام‌های رهنی (به‌ایز برای فرآینگ تبدیل کنند. در سوئیس، نسبت وام‌رهنی به تولید ناخالص داخلی ۱۹۶ درصد می‌رسد. در استرالیا و هلند این نسبت بالای ۸۰ درصد، و در دانمارک و کانادا بالغ بر ۷۰ درصد است. در مقابل، در اغلب کشورهای در حال توسعه این نسبت پایین‌تر است. ترکیب تأمین مالی مسکن کره و مالزی با شرکت کالگاسا، نشان دهنده موفقیت این مدل در اقتصادهای نوظهور است.

مورد دوم: توسعه صندوق‌های سرمایه‌گذاری املاک و مستغلات باید در اولویت قرار داشته باشد. این صندوق‌های می‌توانند با جذب نقدینگی سرگردان بخش خصوصی، منابع مالی عظیمی را به سمت پروژه‌های بزرگ مسکن هدایت کنند. همچنین، امکان سرمایه‌گذاری غیرمستقیم در بازار املاک را برای اقشار متوسط فراهم می‌آورد. در ایران فقط ۵ صندوق از نوع فعال است

^[1] در حالی که به دلیل کمبود عرضه، اکنون در بازار شاهد قیمت‌های بالای ۴۰۰ هزار تومان هستیم

^[2] در حالی که به دلیل کمبود عرضه، اکنون در بازار شاهد قیمت‌های بالای ۴۰۰ هزار تومان هستیم